

گفت و گوی صبا با عوامل نمایش گربه نره و روباه مکار

پینوکیو یک قصه و چندین برداشت

اوشان محمودی نویسنده و کارگردان نمایش «گربه نره و روباه مکار» است که این نمایش را با اقتباس از قصه معروف پینوکیو نوشته و در سالن ناظرزاده گرمایی روی صحنه برده و قرار است در خردادماه نیز این نمایش در سالن اصلی تئاتر شهر روی صحنه باشد. محمودی پیش از این نیز دو نمایش قبلی اش را بر اساس همین قصه نوشته و کارگردانی کرده است. گفت و گوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را در ادامه می خوانید.

فاطمه حمیره
گفت و گو



اوشان محمودی:

اعتقادی به اسامی بزرگ شده در تئاتر ندارم

نمایش گربه نره و روباه مکار سومین اثر شماست که با اقتباس از قصه پینوکیو اثر کارلو کلودی نوشته اید. ویژگی این قصه چیست که سه اثر نمایشی خود را با اقتباس از آن روی صحنه برده اید؟

من متولد دهه شصت هستم و در دوره کودکی ما سرگرمی عجیب و غریبی به جز تلویزیون نداشتیم و همه عشق و علاقه ما دیدن کارتون در ساعات بعدازظهر بود. قصه پینوکیو برای من بسیار جذاب است و مهمترین ویژگی این قصه برای من دروغ است که اگر چه به نظر خیلی ساده می آید اما همین دروغ ساده گاهی می تواند باعث بحران های عجیب و غریبی شود و جریان زندگی را تحت تأثیر قرار دهد.

البته رمان پینوکیو که در ایران کمتر خوانده شده، بسیار متفاوت از انیمیشن آن است، در این رمان، پینوکیو تبدیل به انسان واقعی نمی شود بلکه همچنان به شرارت هایش ادامه می دهد و در نهایت اعدام می شود.

دو اثر قبلی من هم اقتباسی از قصه پینوکیو بود که اگر چه سه گانه نبودند و مستقل از یکدیگر بود ولی شاید بتوان عنوان سه گانه را هم برای آنها به کار برد. در هر قصه از این سه اثر به دروغ و مشتقات آن پرداخته ام و هر اثر در واقع مرحله ای از زندگی است. موضوع نمایش «گربه نره و روباه مکار» نیز سوءاستفاده است که منشاء آن دروغی است که به سوءاستفاده تبدیل می شود.

علاقه مندی من به قصه پینوکیو ریشه در کودکی من دارد و این علاقه به اندازه ای است که روی صحنه نمایش هم دوست دارم انیمیشن و جادو بینم اما مهمتر از آن این است که این یک قصه بین المللی است و من دوست دارم کاری روی صحنه بپریم که بین المللی باشد و مخاطبان غیرایرانی من هم آن را درک کنند.

این قصه قابلیت های بسیاری برای تبدیل شدن به آثار نمایشی برای صحنه را دارد و من در آثار دیگرم باز هم سراغ و جوه و شیوه های اجرایی دیگری از این قصه می روم.

در یکی از این سه اثر قرار بود نمایش شما از طریق یکی از پلتفرم ها به شکل واقعیت مجازی امکان نمایش برای مخاطبان

خارج از سالن نمایش و به صورت بین المللی را هم داشته باشد، درباره این تجربه بگویید و این که به کجا رسید؟

بله قرار بود از طریق یک پلتفرم امکانی فراهم شود که مخاطبان داخلی و خارجی با استفاده از اینک و یک لینک از طریق موبایل شان بتوانند نمایش روی صحنه را همزمان با تماشاگران در سالن تماشا کنند که این اتفاق آزمایش هم شد ولی از جایی به بعد روند آن به دلیل تحریم ها، اتفاقات ماه های اخیر در ایران و کندی سرعت اینترنت نبود امکانات سخت افزاری در سالن های نمایش متوقف شد.

برای اجرای این اثر در دیگر کشورها هم برنامه ریزی کرده اید؟

بله قصد داریم که در کشورهای دیگر هم اجرا داشته باشیم و مشغول انجام کارهای مربوط به آن در بخش روابط بین الملل گروه خودمان هستیم. باید با چند کمپانی در این زمینه صحبت کنیم ولی با این حال مسائل و مشکلاتی از جمله قیمت بالای ارز را هم داریم. من مطمئنم که با اجرای این آثار در خارج از ایران شاهد اتفاقات خوبی خواهیم بود چرا که علاوه بر یک قصه جهان شمول دارای سایر ویژگی های جذاب از جمله در زمینه فرم، رنگ و دیگر ویژگی های اجرای بین المللی نیز هست و می تواند مخاطبان خارجی را نیز با خود همراه کند.

برای این نمایش چقدر تمرین کردید؟

ما از ۱۷ فروردین سال قبل تمرین ها را شروع کردیم که تا آبان ادامه داشت و نوبت اجرای ما هم آذرماه بود ولی اتفاقاتی که در این مدت در کشور رخ داد، باعث متوقف شدن اجرای ما شد و بعد از آن مجدداً فروردین ماه سال جاری تمرین ها را شروع کردیم و از پنجم اردیبهشت ماه در سالن ناظرزاده گرمایی روی صحنه رفتیم که تا ۲۹ اردیبهشت ادامه داشت و از هفتم خردادماه تا پنجم تیرماه نیز در سالن اصلی تئاتر شهر این نمایش روی صحنه خواهد بود.

برخی از نمایش ها برای جذب مخاطب بیشتر از بازیگران چهره استفاده می کنند. شما بازیگران را چطور انتخاب کردید؟

سه نفر از بازیگران این نمایش در کارهای قبلی من هم حضور داشتند. یکی از آنها به نام علی تاریمی بازیگر ثابت من در هر سه

نمایش بود.

من به اسامی خیلی بزرگ شده در تئاتر اعتقادی ندارم بلکه به کار گروهی معتقدم و بر این باورم که انرژی جمعی است که روی صحنه به جادو تبدیل می شود.

بازیگران این نمایش اگر چه نام مطرحی ندارند اما بسیار درجه یک و با استعدادند، همگی در خدمت نمایش هستند و در کنار هم یک اتفاق درست را شکل می دهند.

به اعتقاد من بازیگران نسل جدید بسیار توانمندند و علاوه بر این توانایی، فرم بدنی خوبی دارند، موسیقی می دانند و می توانند به خوبی آواز بخوانند. از سسوی دیگر مخاطب امروز هم بسیار باهوش است و کیفیت یک نمایش برایش مهمتر از اسامی شناخته شده است.

نمایش شما دچار سانسور هم شد؟ و آیا آسیبی به روند قصه و نمایش وارد کرد؟

اگر بگویم سانسور وجود ندارد که دروغ گفته ام اما به طور کلی سعی می کنم مثبت فکر کنم و راهی برای گفتگو کردن پیدا کنم.

مدیران ما باید ببینند که تأثیر گذاری تئاتر را که در گذشته داشتیم الان دیگر نداریم و نمی شود به همان میزان فشارها را تشدید کرد. در شرایطی که مخاطب امروز به دلیل برخورداری از اینترنت می تواند شاهد بهترین اجراهای تئاتر در کل دنیا باشد، برای کشاندن این مخاطبان به سالن تئاتر باید اجازه داد که کارگردان ها رها تر و آزادتر کار کنند. برخی از مخاطبان تئاتر برای اولین بار به سالن نمایش وارد می شوند و باید این سرمایه ها را حفظ کرد که تبدیل به مخاطبان دائمی تئاتر شوند.

به طور کلی روند تولید نمایش و روند گرفتن مجوزها در کشور ما اشتباه است و برای آن که اتفاقات خوبی را در تئاتر کشورمان داشته باشیم بهتر است به هم اعتماد کنیم، برای حل مشکلات گفتگو کنیم و حرف همدیگر را بشنویم.

سالن اصلی تئاتر شهر یکی از بهترین سالن های تئاتر در بخش دولتی است این سالن چطور به این نمایش اختصاص یافت؟

این اتفاق یک شبه رخ نداده است. من کارم را از اجرای شهرستان شروع کردم و در جشنواره های دانشجویی شرکت کرده ام و همین طور